کلام رهبر

توصیه به دانشجویان

در محیط دانشـــگاه، محیط دانشـــجویی، نقد منصفانه و متقابلاً نقدپذیری متواضعانه هر دو لازم است. جوان، آن هم دانشجو، در محیط علمی باید ذهنش و زبانش باز باشد؛ نقد کند؛ البته منصفانه باشد. نقد را با عیب‌جویی و با عصبانیت و با بهانه‌گیری نباید اشتباه کرد؛ اما نقادی باید کرد. در عین حال نقدپذیر هم باید بود. دیگران هم اگـــر از ما به عنوان دانشجو، به عنوان تشکل دانشجویی نقد کردند، بپذیریم؛ یعنی تحمل کنیم؛ بپذیریم به معنای تحمل کردن است. یک توصیه دیگر: در محیط دانشـــگاه، تحمـــل و مدارای سیاسی لازم است. تشـــکل‌های دانشجویی نسبت به هم مدارای سیاسی داشته باشند؛ تحمل سیاسی داشته باشند. درگیر کردن مجموعه‌های دانشجویی با هم، نقشه خطرناکی است که کشیده شده است؛ این نقشـــه را کشیده‌اند. باید مراقب باشـــید. می‌خواهند تشکل‌های دانشـــجویی را به جان هم بیندازند. ما همین اواخر شاهد بودیم که در چند تا دانشگاه داشتند این کار را می‌کردند. البته دانشجویان عاقل و باشعور و بلوغ سیاسی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما نقشه این است. راه مواجهه‌اش هم همین است که مجموعه‌های دانشجویی، افراد دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی، حالت مدارا و تحمل داشته باشند. یک توصیه دیگر، مسئله حفظ اصول و روحیه آرمان‌گرایی است. شما محافظه‌کار نشوید. ممکن است گذشت سن، بعضی‌ها را محافظه‌کار کند؛ اما موتور حرکت، جوانی است. جوان ما نباید محافظه‌کار شود. جوان باید آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها کوتاه نیایید. آرمان‌ها را بخواهید، قله‌ها را بطلبید، تا یقین بکنیم که به نیمه راه لااقل خواهیم رسید. البته اگر قله را بطلبید، بنده یقین می‌کنم به خود قله هم خواهید رسید. روحیه آرمان‌گرایی را که از جمله مصادیق روحیه آرمان‌گرایی، تمســـک به اصول و مبانی فکری است، از دست ندهید.

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

تریبون دانشجویی

مشت آهنین در دانشگاه فردوسی مشهد!

محمدسعید ابراهیمی*

نشریه قلم در دانشگاه فردوسی مشهد کمتر از یک سال بود که تأســـیس شـــده بود اما در این مدت دوبار توبیخ شد و در حال حاضر هم این نشـــریه دانشجویی توقیف شده است.

متأســـفانه علیرغم شـــعارهایی کـــه در باب احتـــرام به دانشـــگاهیان و نظرات‌شـــان در دولت تدبیر و امید داده می‌شود باید گفت چنین مســـئله‌ای در عالم واقع وجود ندارد و فقط از حیث شعار اســـت که این مسائل شنیده می‌شـــود. دولت اوج بها دادنش به دانشـــجویان حضور نمادین رئیس‌جمهور در روز دانشجو در دانشگاه است.

من حیث‌المجموع، فضای دانشگاه فردوسی مانند سایر دانشـــگاه‌ها در دولت یازدهم، برای دانشـــجویان منتقد سیاست‌های دولت و برخی سیاســـیون ساختارشکن، مســـاعد نیســـت و در حوزه‌هـــای مختلف، مشـــکلات عدیده‌ای برای فعالیت دانشجویان منتقد ایجاد می‌شود؛ از بهانه‌جویی در صدور مجوز فعالیت‌ها تا تخصیص بودجه برای برنامه‌های برخی تشـــکل‌ها و نیز برخورد سیاسی با نشریات دانشـــجویی منتقد که در این زمینه علاوه بر نشـــریه قلم، نشـــریه همت نیز تفهیم اتهام شده بود که الحمدلله در جلسه رسیدگی به اتهام این نشریه، به علت غیبت یکی از اعضای سیاسی کمیته ناظر بر نشریات که با سیاسی‌کاری با دانشجویان و نشریات منتقد برخورد می‌کند، فضایی منطقی بر جلسه حاکم و مدیرمسئول این نشریه، تبرئه شد!

ما بر روی جلد نشریه قلم عکس رئیس دولت اصلاحات، عبارت «روحانیت منهای اســـلام» را نوشـــتیم و همین موضوع باعث شد حکم توقیف نشریه صادر شود. حال آنکه به تصدیق اساتید بنده در رشته حقوق جزا، تیتر مزبور، مصداق توهین نبود. نظرات تنی چند از روحانیون معزّز که خدمت‌شان شرفیاب شدم نیز گویای این بود که تیتر مزبور به منزله کافر تلقی کردن آن شخص، نبوده است بلکه به معنای روحانیتی است که به اسلام، عمل نمی‌کند و نیز همه آن بزرگواران بر این نکته متفق‌القول بودند که «روحانیت منهای اسلام» یک اصل تاریخی است.

توقیف نشریه قلم حاصل تلاش یک مهره نشان‌دار سیاسی در کمیته ناظر بر نشـــریات دانشـــگاه بود. آقایی که در بحبوحه انتخابات سال گذشته، بی‌پروا در ستاد انتخاباتی لیست امید حاضر می‌شود و در مقابل دوربین‌ها علامت «ویکتوری» نشان می‌دهد طبیعی است که در کمیته ناظر بر نشریات نیز برای منتقدین دولت و اصلاحات، «مشت آهنین» نشان دهد. جالب است بدانید این مسئول محترم در جلســـه کمیته ناظر، در واکنش به بیانیه ۸۸ نشریه دانشجویی در حمایت از نشریه قلم فریاد برمی‌آورد که یک نشریه به چه حقی «بیانیه» بدهد.

به هر تقدیر، جدا از حکم کمیته ناظر بر نشـــریات، آنچه برای بنده اهمیت دارد نظر دانشجویان فهیم و آزاده است و نتیجه نظرسنجی یک کانال دانشجویی که پس از انعکاس دفاعیات بنده و توضیحات دبیر کمیته، بر روی آن کانال قرار گرفت، حاکی از آن بود که اکثر دانشجویان مشهدی، نشریه دانشجویی قلم را ذی‌حق می‌دانند و توجیهات دبیر محترم کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه را نپذیرفته‌اند.

***مدیر مسئول نشریه دانشجویی قلم دانشگاه فردوسی مشهد**

گزارش
محمد سمیعی

بررسی مسئله کاهش سنوات تحصیلی در آموزش عالی

قانونی که خشک و تر را باهم می‌سوزاند

تجمع‌های دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف کشـــور مطلع آغاز ســـال تحصیلـــی ۹۵ بود. دانشجویان در اعتراض به قانون کاهش سنوات تحصیلی و دریافت شـــهریه از دانشـــجویان سنواتی به تجمع در دانشـــگاه‌ها پرداختند. براساس این قانون دانشـــجویان کارشناسی و دکتری در ترم ۹ و دانشـــجویان کارشناسی ارشد در ترم ۵ که وارد دوره سنوات می‌شوند باید به دانشـــگاه ســـنوات بپردازنـــد و همین موضـــوع باعث شـــد دانشـــجویان بـــا صدای بلند به این تصمیم مســـئولان اعتراض کنند.

■■■

قانونی مفید برای...؟

قانون کاهش میـــزان ســـنوات تحصیلی و اخذ شـــهریه از دانشـــجویان در دولت دهم تصویب شـــد اما مجلس و دولت یازدهم که تقریباً همه مصوبات دولت گذشته را تغییر داده بودند از این قانون استقبال کردند و آن را تماماً و بدون تغییر به اجرا گذاشتند.

در واقع این قانون در بطن نقشه جامع علمی کشور قرار دارد و آنچنان که برخی کارشناسان می‌گویند اجرای آن در راســـتای بهره‌وری بیشتر سیستم آموزش عالی کشور است. آنها معتقدند مهم‌ترین فایده اجرای این طرح، کاهش هزینه‌های اضافی دانشگاه‌ها در برابر خرید زمان توسط دانشجویانی که می‌خواهند طول مدت زمان تحصیل خود را به دلایلی همچون فرار از خدمت سربازی، استفاده از امتیازات دوران دانشجویی و... افزایش دهند. بنابراین اگر دانشـــجویی بخواهد زمان تحصیل خود را به هر علتی طولانی‌تر از حد مجاز کند باید هزینه آن را از جیب خود بپردازد.

اما دانشجویان اعتقاد دیگری دارند. آنها معتقدند شـــرایط برای اتمام به موقع دوره تحصیلی آنها فراهم نیست و دانشـــگاه باید ابتدا شرایط برای اتمام تحصیلات در موعد مقرر فراهم کند و پس از آن چنین قانونی را اجرا نماید.

علیرضا صفرپور، دانشجوی دانشگاه امیرکبیر و عضو انجمن اسلامی این دانشگاه با تأکید عدم وجود شرایط مناســـب برای اتمام تحصیل در سنوات مجاز می‌گوید: «در بحث آموزش مشکل این است که بعضی از درس‌ها سالی یک بار ارائه می‌شود و باعث می‌شود که دانشجو در به پایان رسیدن تحصیلاتش دچار مشکل شود. دانشجو چه گناهی کرده اســـت که به دلیل عدم برنامه ریزی‌های درست دانشـــگاه هم باید تحصیل کند و هم باید پول بدهد و هم هزینه ســـنوات پرداخت کند. علاوه بر این، مشکلات رفاهی هم در دانشگاه‌ها وجود دارد. دانشگاه‌ها نتوانستند زمینه رفاه دانشـــجویان را به درســـتی فراهم کنند. خوابگاه‌ها و غذاهایی که به دانشجویان داده می‌شود، مشکلات زیادی دارد؛ برای مثال وضعیت خوابگاه‌های درجه یک در دانشگاه‌های تهران مثل امیرکبیر، شریف و دانشگاه تهران که بهترین دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شوند، غیرقابل توصیف اســـت، در حالی که ســـطح علمی که از دانشجویان انتظار دارند، بیشتر از امکانات است.

از طرفی برخی علت طولانی شدن مدت تحصیل دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مشغول شدن آنها در بـــازار کار و عدم توجه کافی به دانشـــگاه می‌دانند. سامانه دانشـــجویان ایران در این باره می‌نویســـد: هر اندازه علت اجرایی کردن قانون محدودیت سنوات توســـط دولت روشن است؛ علل افزایش سنوات دانشجویان متعدد، پیچیده و در بســـیاری از موارد خارج از اراده دانشجویان است. برای نمونه برخی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی علاوه بر تحصیل، در بازار کار نیز مشغول هســـتند به همین خاطر فرصـــت چندانی برای تمرکز بر دروس و وظایف دانشگاهی خود ندارند به همین دلیل یا ناچار می‌شوند واحدهای درسی خود را کمتـــر کنند یا از مرخصـــی و روش‌های دیگر استفاده کنند. اما الهه میرزایی دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است علاوه بر دانشجو اســـتاد راهنما نیز مقصر اســـت چراکه باید موضوع پایان‌نامـــه را طوری جهت‌دهی و انتخاب کند که دانشـــجو بتواند در فرصت قانونی آن را به سرانجام برساند ولی هزینه و جریمه را باید دانشـــجو پرداخـــت کند و عضو هیئت علمی هیچ مسئولیتی بر عهده‌اش نیست در صورتی که باید مســـئولیت بپذیرد. در حالی که قانون دانشجویان نخبه و پژوهشگر که بودن آنها در دانشـــگاه دلایل منطقی دارد را در کنار سایر دانشـــجویانی که می‌خواهند با استفاده از سنوات اضافی برای خود زمان بخرند یکی می‌داند بنابراین با این طرح دانشجویان خشک و تر با هم می‌ســـوزند. همچنین با توجه به ســـطح علمی دانشگاه‌های مختلف نمی‌توان یک نسخه کلی برای سنوات تحصیلی صادر کرد به طوری که در دانشگاه‌هایی همچون صنعتی شریف یا امیرکبیر در بسیاری از موارد دانشجویان مجبورند به علت سطح بالای دانشگاه و انتظارات بالای اساتید از سنوات تحصیلی استفاده کنند.

آیا تنها راه حل، پول گرفتن است؟

طرح کاهش ســـنوات تحصیلی بـــرای اینکه دانشـــجویان در مدت قانونی تحصیلات خود را به اتمام برســـانند شـــاید طرح خوبی باشد برای جلوگیری از هدر رفتن منابع دانشگاهی و دولت اما آیا تنها راه جلوگیـــری از افزایش سنوات دانشـــجویان پول گرفتن از آنهاست؟ و آیا با یک نســـخه واحد می‌توان این موضوع را حل کرد؟

در پاســـخ باید گفت برای جلوگیری از افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان در ابتدا به یک قانون انعطاف‌پذیر احتیاج است تا بتواند برای شرایط مختلف دانشـــجویان و دانشـــگاه‌های مختلف کاربردی باشد و از طرفی سعی شود به جای پول و شهریه گرفتن از کسانی که سرمایه‌های انسانی کشور محســـوب می‌شـــوند راهکارهای بهتری همچون کســـر نمره پایان‌نامه یا افزایش تعداد سال‌های تعهد خدمتی پیدا کرد.

سیدمحمدباقر ملائک، استاد دانشکده هوافضای دانشـــگاه صنعتی شـــریف، درباره این موضوع می‌گوید: «مـــن معتقدم قطعاً ایـــن اخذ هزینه سنوات خوب نیســـت. ما باید ابتدا بفهمیم چرا زمان تحصیل دانشجو طولانی‌تر می‌شود. باید از او بپرسیم و بعد تصمیم بگیریم که پول بگیریم یا نه. این جمله که می‌خواهم بگویم، جمله سختی است اما متأسفانه ما اعضای هیئت علمی تنبل شده‌ایم و دوســـت داریم با یک قانون ساده همه چیز را تمام کنیم! دانشـــجو «خطاکار بی‌گناه» است. ممکن است خطا کرده باشد ولی گناهکار نیست. چرا باید او را مجازات کنیم؟ وقتی ما به دانشجو به مثابه یک سربار نگاه می‌کنیم نه یک سرمایه، در نتیجه از او به بهانه‌های مختلف پول می‌گیریم»!

بنابراین آنچه می‌توان گفت این اســـت که طرح کنترل سنوات تحصیلی دانشجویان کار خوبی است اما باید در نحوه اجرای آن تأمل کرد.

وزارت علوم و دانشگاه آزاد ۲۰ سال علیه هم مخالف‌خوانی کردند

محسن فرهادی

فوت ناگهانی مرحوم هاشمی، تکانه‌های قابل توجهی را بر فضای سیاسی کشـــور وارد کرد. تأثیـــرات این رویداد بر صحنه سیاســـی ایران البته در بلندمدت خود را نشـــان خواهد داد و فی‌الحال نمی‌توان زیـــاد درباره آن بحث کرد. فوت هاشـــمی اما بر جامعه دانشگاهی کشور نیز بی‌تأثیر نبود. همانگونه که انتظار می‌رفت، مهم‌ترین تأثیرات رفتن هاشـــمی، خود را در دانشگاه آزاد نشـــان داد. همان جا که هاشمی زمانی تمام تلاش خـــود را برای وقف آن انجام داد و وقف نشد که نشـــد! چراکه او و دیگران، اساساً و از منظر شـــرع، چنین حقی نداشتند. هیئت امنای دانشـــگاه آزاد اما دوست داشت انفال و اموال عمومی- اموال دانشـــگاه آزاد- را وقف کرده، تـــا خود برای همیشـــه متولی آن باشـــد! حالا با جایگزینی علی‌اکبر ولایتی در ریاست هیئت امنای دانشـــگاه آزاد، خیلی‌ها امید بسته‌اند تا حواشی همیشگی موجود در این دانشگاه به نقطه پایان برسد.

صاحب ایـــن قلـــم، پیـــش از ایـــن بارهـــا در گزارش‌های مستند دیگری، پیرامون حواشی مدیریتی دانشگاه آزاد سخن گفته است. معضل نظارت‌ناپذیری مدیریت این دانشگاه در تمام دوران ســـی و چند ســـاله حیاتش را می‌توان عمیق‌ترین معضل مورد بحث دانست. ممکن نیست کسی در فضای اخبار دانشگاهی کشور طی ۱۰ الی ۲۰ ســـال اخیر تنفس کرده باشد ولی حرفی از مخالف‌خوانی‌های دانشگاه آزاد و وزارت علوم علیه یکدیگر نشنیده باشد. بر این اساس، بحث نظارت‌ناپذیری مدیریت دانشگاه آزاد در زمینه تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو در مقاطع مختلف را باید یکی از چالشی‌ترین مباحث حوزه آموزش عالی کشور در سه دهه اخیر دانست. در این زمینه، تفاوت زیادی بین دولت‌های مختلف نبـــوده و تمامی دولت‌ها با مدیریت دانشـــگاه آزاد مشکل داشته‌اند. حتی مرحوم هاشـــمی در همین سال اخیر حیاتش نیز در همین زمینه به دولت یازدهم حمله کرد و گفته است: «دولتی‌ها که دوستان ما هستند برای ما مزاحمت ایجاد می‌کنند در دانشگاه آزاد و این به غیر از حسادت چیزی نیست»!

با این حال، شـــاید قدیمی‌ترین سند قابل ارائه از وجود رویکرد تقابلی مدیریت دانشـــگاه آزاد با سیاســـت‌های وزارت علوم را بتوان در کتاب خاطرات هاشـــمی یافت. هاشمی در خاطرات خـــود در یکم بهمـــن ۱۳۶۷ (در زمـــان دولت میرحســـین موســـوی) به این واقعیت اشـــاره کرده است. ســـند دیگری که این ادعا را اثبات می‌کند، ســـخنان مصطفی معیـــن وزیر علوم دولت اصلاحات طی گفت‌وگویی پس از دوران وزارت است. معین می‌گوید: «اواخر بهار یا اوایل تابستان ۶۸ بود که آقای هاشمی خواستند به دفتر رئیس مجلس بروم. آنجـــا درباره وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی صحبـــت کردیم. برای تصمیم‌گیری و پذیرش مســـئولیت مشـــکلی نداشتم اما گفتم یکی، دو موضوع باید حل شود. یکی اینکه دانشـــگاه آزاد باید پایبند به ضوابط آموزش‌عالی کشور باشـــد و از مقررات متابعت کند و ما نظارت کنیـــم!» این یعنی آنکه معین نیز به خوبی از پنجه قوی و نظارت‌ناپذیر مرحوم هاشمی به عنوان رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد خبر داشته است.

آنگونه که می‌دانیم هم‌اکنون نیز مدرک بخش قابل توجهی از دانشجویان دانشگاه آزاد به علت تحصیل در رشته محل‌های بدون مجوز شورای گســـترش وزارت علوم، با وجود فارغ‌التحصیل شدن، صادر نشده اســـت! دیگر حاشیه پررنگ دانشگاه آزاد در دوران مرحوم هاشمی، دخالت اثبات شده این نهاد در فعالیت‌های سیاسی بود به صورتی که در متن گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از دانشگاه آزاد، مکرراً به استفاده مدیریت آن از امکانات عمومی برای تبلیغات انتخاباتی به ســـود شـــخص مرحوم هاشـــمی و کاندیداهـــای موردنظر ایشـــان در رقابت‌های انتخاباتی مختلف اشاره شده است. ســـنگ‌اندازی بر ســـر راه فعالیت دانشجویان انقلابی را نیز باید ســـومین خصیصه دانشگاه آزاد زمان هاشمی دانســـت. حجم این فشار بر تشکل‌های دانشـــجویی انقلابی به حدی بوده است که شـــورای هماهنگی بسیج دانشجویی سراسر کشور، پس از انتصاب ولایتی به ریاست هیئت امنای دانشـــگاه آزاد، در متن نامه خود به رهبر فرزانـــه انقلاب، صراحتاً به آن اشـــاره کرده است.

در بخشی از نامه مذکور می‌خوانیم: «سال‌های طولانی اســـت که فرزندان شما در تشکل‌های انقلابی و دانشجویی دانشـــگاه آزاد اسلامی، از حاکمیت جریانی خاص در این دانشـــگاه رنج می‌برند و نه تنها در انجام فعالیت‌های انقلابی و جهادی خود دچار مشکل هستند، بلکه برای شخص خودشـــان هم مشـــکلات عدیده‌ای به وجود می‌آید؛ از حضـــور در کمیته انضباطی و اخراج گرفته تا شـــکایت‌های قضایی خارج از دانشگاه، همه و همه بخشـــی از دردهای قشر انقلابی دانشگاه بوده و هست.» حالا با انتصاب ولایتی در ریاست هیئت امنای دانشگاه آزاد، به نظر می‌رسد حواشی مورد بحث تا حد زیادی کاهش پیدا کند. با این حـــال، جریان حاکم بر دانشگاه آزاد نیز به خاطر انتصاب ولایتی، برای رهبر فرزانه انقلاب نامه تشکرآمیز نوشته است. در این شـــرایط به نظر می‌رسد بیم‌ها و امیدها برای آینده دانشگاه آزاد، تنها به شخص رئیس جدید هیئت امنا بستگی خواهد داشت. ولایتی بعید است به مقاومت چندین ساله هاشمی در برابر قوانین صریح کشور در زمینه لزوم تمکین دانشگاه آزاد به تصمیمات وزارت علوم در حوزه پذیرش دانشجو ادامه دهد.

استفاده از امکانات دانشگاه برای کمک به یک جریان سیاسی خاص نیز بعید است مورد تأیید ولایتی باشـــد. پندار کلی ما در زمینه برخورد چکشی با دانشجویان انقلابی نیز چنین است. با این وجود، برای درک دقیق آینده دانشگاه آزاد، لازم است بدانیم که ولایتی تنها یک نفر است و جریان حاکم بر دانشگاه، یک جریان! مضاف بر اینکه جریان کنونی حاکم بر دانشگاه آزاد، در همان هیئت امنا نیز رأی اکثریـــت را دارد. لذا می‌توان پیش‌بینی نمود که آینده دانشگاه آزاد به طور کلی از شائبه‌های زمان مرحوم هاشمی پاک نخواهد شـــد. با این وجود، میزان برطرف شدن یا نشدن حواشی دانشگاه آزاد، بیش از هر چیزی منوط به سطح تأثیرگذاری جریان حاکم بر رئیس جدید هیـــدت امنا خواهد بود. رئیس جدید، باید برای حل معضلات ریشه‌ای دانشگاه آزاد، نخست آنها را بپذیرد و قبول کند. نمی‌توان با تقدیس کلی اقدامات صورت گرفته در دوران فعالیت مرحوم هاشـــمی، همزمان گامی برای تغییر وضعیت در دانشـــگاه آزاد برداشت. امید که مجموعه تصمیمـــات و فرآیندهای آتی در این مجموعه بزرگ دانشگاهی کشور، به سود جریان علمی کشـــور و دانشـــجویان عزیز این دانشگاه باشد.

حرف استاد

وظیفه دانشگاه اجتماعی کردن علم است نه تجاری سازی

مقصود فراست‌خواه
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

روشنگری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی و اجتماعی کردن علم از مهم‌ترین وظایف دانشگاه‌ها و مدیریت فرهنگی دانشگاهی است. بنابراین وضعیت دانشگاه در هشـــت دهه فعالیـــت این حوزه در ایران را به شش دوره می‌توان تقسیم کرد و گفت از آغاز تأسیس دانشگاه تا دهه ۳۰ دانشـــگاه‌ها دچار نخبه‌گرایی بودنـــد. از دهه ۴۰ تا آســـتانه انقلاب سرمشـــق تکنوکراتیک در دانشـــگاه‌ها غالب بود و در آستانه انقلاب دانشـــگاه‌ها دچار سیاست‌زدگی شده، در دهه ۶۰ ایدئولـــوژی دولتی بر آنها غالب شـــد، در دهـــه ۷۰ نوعی توده‌گرایی در فضای دانشـــگاهی سیطره انداخت و در نهایت فضای دانشگاهی در دهه ۸۰ دچار پول‌گرایی شد.

من فکر می‌کنم در دهه ۸۰ دانشـــگاه دچار پول‌گرایی شد و باعث شد دانشـــجو به عنوان مشتری و استاد و اعضای هیئت علمی به عنوان فروشندگان کالای نمره و واحد، و دانشگاه به عنوان فروشنده مدرک تغییر ماهیت دهند. در حالی که فلسفه آموزش عالی وقتی معنادار می‌شود که دانشگاه به مثابه یک نهاد اجتماعی و فرهنگی که رسالت آن تولید خیر عمومی است دیده شود. درحالی که وقتی دانشگاه با معیار سیاست و اقتصاد سنجیده شـــود هویت ذاتی فرهنگی، اجتماعی‌اش مخدوش می‌گردد به همین دلیل اســـت که علیرغم اینکه بیش از ۴/۵ میلیون دانشجو و چند هزار عضو هیئت علمی در ایران وجود دارد، به نظر می‌رسد که وزن آموزش عالی همسان با جرم آن رشد پیدا نکرده است.

به عقیده مـــن وظیفه دانشـــگاه بیش از آنکه تجاری‌ســـازی علم باشـــد باید اجتماعی‌سازی علم باشـــد و بیش از آنکه در جهت افزایش کارآفرینی اقتصادی گام بردارد باید به توسعه کارآفرینی اجتماعی دامن زند.

روایت دانشجویی

دور تسلسل

مریم رضوی

گروه بودیم. یک گروه دوستانه شش نفره قوی. هم را حمایت می‌کردیم، با هم شاد بودیم، رفت و آمد داشتیم و حسابی با هم حالمان خوب بود اما مشکلاتی هم وجود داشت. مسئله جمع دوستانه این بود که همه خودشان را با دیگران مقایسه کنند. هیـــچ کس آنقدر منطقـــی به شـــرایط و توانایی‌های خودش واقف نبود که پی رسیدن به موقعیت دیگری نباشد. یکی درس‌خوان شده بود و خانم دکتر، دیگری ازدواج کرده بود و بچه داشت، یکی بعد از لیسانس برای خودش یک شغل حسابی دســـت و پا کرده بود و وضع مالی‌اش توپ شده بود. این وسط اگر دلسوزانه به کسی اعتراضی می‌کردی یا بابت مســـئله‌ای که خودش در جریانت گذاشـــته بود، راهکاری می‌دادی به پای دخالت و عدم درک متقابل گذاشته می‌شد. مثل روزی که صبا آمد و گفت در تکمیل ظرفیت کارشناسی ارشد بالینی قبول شده. همه تبریک گفتیم. ذوق کردیم. صبا همیشه دوست داشت درس بخواند. مسئله‌اش بود. مسئله همیشگی ذهنی‌اش. خودش می‌گفت زمانی که باید درس می‌خواند، نتوانسته بود و مشغول شوهرداری شده بود و حالا می‌خواست تلافی همه آن ســـال‌ها را که به قول خودش از دست رفته بود درآورد. لیسانسش را همزمان با به دنیا آمدن بچه اولش به سختی گرفت. به بهای بزرگ شدن دخترکش کنار پدربزرگ و مادربزرگ و دلتنگی بـــرای مادری که پی درس و کتاب بود و حالا با مدرســـه‌ای شدن دخترک، مادر هم به فکر گرفتن مدرک فوق‌لیسانس بود. آن هم رشته‌ای که ربط چندانی به رشته لیسانسش نداشت و حسابی برایش سخت بود.

بعد از همه تبریک گفتن‌ها، با لحن شوخی به صبا گفتم که حاضرم یک پارچ آب را با چنگال بخورم ولی جایش نباشم. خندیدند و اعتراض کردند که بله معلوم است. خوش به حالت که مدرکت را گرفته‌ای و نگرانـــی‌ای نداری. گفتم: حالا چرا همچین رشته سختی را انتخاب کرده‌ای؟ چه بنیه علمی‌ای داری؟ پدرت درمی‌آید تا دو ســـال ارشـــد را رد کنی. ارشد مثل دوره کارشناسی نیســـت. گفت: چه کار کنم؟ چاره‌ای ندارم! چاره نداشت! نمی‌دانم توی ذهنش چه می‌گذشت که فکر می‌کرد هیچ چاره‌ای نـــدارد و باید با وجود تمام این‌ها و شهریه‌ای میلیونی صاحب مدرک کارشناسی ارشد شود و آن همه سختی به خود و خانواده‌اش تحمیل کند. گفتم: کارت چه می‌شود؟ رهایش می‌کنی؟ با شهریه کنار می‌آیی؟ انگار داشتم زیادی نگرانی و دلســـوزی خرج می‌کردم. باید یادم می‌آمد که نیازی نیســـت شـــرایط زندگی دیگری را برایش یادآوری کنـــم؛ ادامـــه دادم در هر صورت تـــو هر تصمیمی بگیری ما حمایتت می‌کنیم و هر کاری از دست‌مان بربیاید برایت می‌کنیم.

یک ماه بعد که حالش را پرسیدم؛ نالان بود از اینکه از درس‌ها سر درنمی‌آورد. کلاس‌ها طولانی و خسته‌کننده‌اند. به درس بچه نمی‌رسد. چک دوم شـــهریه را به زودی باید پاس شود. مدیرش ازش ناراضی است و اساتید ازش مقاله و کنفرانس خواسته‌اند. گفتم چه کردی پس؟ گفت: روی دیوار دانشگاه نوشـــته بود «نوشـــتن پایان‌نامه و مقاله دانشجویی» فوری شماره‌اش را برداشتم...